

تحلیل محتوای کتب بر اساس مؤلفه‌های زندگی کوچ‌نشینی در ایران (مطالعه موردی: مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی، دوره متوسطه اول بخش جغرافیا و جغرافیای متوسطه دوم (۱۴۰۱-۱۴۰۲))

پری موسی پورمیاندهی* - استادیار، گروه آموزش جغرافیا، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۸۸۹-۱۴۶۶۵، تهران، ایران.
امیرحسین فرهادی - دانشجوی کارشناسی، گروه آموزش علوم اجتماعی، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۸۸۹-۱۴۶۶۵، تهران، ایران.
عرفان دودانگه - دانشجوی کارشناسی، گروه آموزش علوم اجتماعی، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۸۸۹-۱۴۶۶۵، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۰۶ بهمن ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۲۸ فروردین ۱۴۰۲

چکیده

مقدمه: در ایران کوچ‌نشینان سومین جامعه مهم در کنار جوامع شهر و روستایی به شمار می‌روند.
هدف پژوهش: بررسی کتاب‌های مطالعات اجتماعی ابتدایی، متوسطه اول بخش جغرافیا و جغرافیای متوسطه دوم بر اساس مؤلفه‌های کوچ‌نشینی است.
روش‌شناسی تحقیق: تحلیل محتوای کمی و کیفی، واحد تحلیل، مضمون می‌باشد.
قلمرو جغرافیایی پژوهش: کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره آموزش ابتدایی و متوسطه اول بخش جغرافیا و جغرافیای متوسطه دوم است.
یافته‌ها و بحث: در پژوهش حاضر ۷ مؤلفه کوچ‌نشینی شامل، خانواده و جمعیت ۵ شاخص، مؤلفه اقتصاد و معیشت ۴ شاخص، مؤلفه سیاست‌گذاری‌ها ۸ شاخص، مؤلفه پراکنش جغرافیایی ۲ شاخص، مؤلفه سکونتگاه‌ها ۳ شاخص، مؤلفه اقوام و طوایف ۱۸ شاخص و مؤلفه سبک زندگی ۴ شاخص می‌باشد. یافته نشان می‌دهد در کتاب‌های مذکور به مؤلفه کوچ‌نشینی، (۱۶/۳۲٪) مؤلفه اقتصاد و معیشت، (۸/۱۶٪) مؤلفه سیاست‌گذاری‌ها، (۲/۰۴٪) مؤلفه پراکنش جغرافیایی، (۵۳/۰۶٪) مؤلفه اقوام و طوایف، (۲۲/۴۴٪) به مؤلفه سبک زندگی توجه شده است. مؤلفه اقوام و طوایف با بالاترین میزان فراوانی (۵۳/۰۶٪) در رتبه اول و مؤلفه‌های خانواده و جمعیت و سکونتگاه‌ها، با پایین‌ترین میزان فراوانی (۰٪) در آخرین رتبه قرار گرفته‌اند. همچنین کتب مطالعات اجتماعی ابتدایی با بالاترین میزان فراوانی (۵۹/۲٪) بیشترین و کتب مطالعات اجتماعی دوره متوسطه اول با پایین‌ترین میزان فراوانی (۸/۱۵٪) کمترین توجه را به مؤلفه‌های کوچ‌نشینی داشته‌اند.
نتایج: نشان‌دهنده عدم توجه کافی و متعادل کتاب‌های موردنظر به مؤلفه‌های کوچ‌نشینی است. کوچ‌نشینی نقش مؤثری در تولیدات کشور دارند و بخش مهمی از جامعه هستند لذا آموزش و پرورش باید نگاه ویژه‌ای به این نوع زندگی داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: مؤلفه‌های زندگی کوچ‌نشینی، مطالعات اجتماعی، جغرافیا، تحلیل محتوا، دوره متوسطه.

مقدمه

تعلیم و تربیت مهم‌ترین ابزار برای رسیدن به توسعه متوازن و پایدار و پیشرفت‌های علمی و فناورانه است. دگرگونی‌های سریع جامعه معاصر، نیاز آموزش به روز و کسب آمادگی برای پذیرش این تغییرات در ابعاد گوناگون زندگی را ضروری می‌سازد (Turkmandi, 2017: 13). بدون شک تعلیم و تربیت به عنوان یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های بشر امروز، در هر جامعه‌ای از مجموعه باورها، اعتقادات، رسوم و آداب و عوامل اجتماعی - اقتصادی آن جامعه نشأت گرفته است و بر آن تاثیر می‌گذارد. به همین دلیل با وجود بنیادهای نظری مشترک در نظریه‌های آموزش و یادگیری، تفاوت و گوناگونی‌های فراوانی در بین نظام‌های آموزشی جوامع مختلف به وجود آمده است. تأثیر این عوامل بر شکل‌گیری نظام تعلیم و تربیت هر جامعه به گونه‌ای است که اقتباس رویکردهای تربیتی، مدیریتی یک نظام آموزشی بدون توجه به موقعیت‌های فرهنگی و اجتماعی زیست و بالندگی آن نه تنها کار آمد نیست، بلکه ناکارآمدی‌های بسیاری را به نظام آموزشی تحمیل می‌کند (سرکارآرانی، ۱۳۸۸). موفقیت در برنامه‌های توسعه نیازمند شناخت نیازها، توان و ظرفیت گروه‌های هدف، تدوین برنامه‌ریزی نظام‌مند و مدیریت دقیق است. به منظور تدوین زیربنای علمی و منطقی برای سیاست‌گذاری توسعه در هر بخشی لازم است ارزیابی از جنبه‌های مختلف از وضعیت موجود انجام شود (Yu et al, 2010: 1218).

جامعه عشایری هم باید در این راستا جایگاه ویژه‌ای داشته باشد. باید برای این گروه طوری برنامه‌ریزی شود که علاوه بر حفظ دارایی‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی از قافله علم و دانایی و فناوری عقب نیفتد. زیربنای این حرکت، بسط فرهنگ و دسترسی عادلانه به کیفیت آموزش و پرورش است که از طریق غنی کردن محتوای کتاب‌های تدریس، اصلاح نظام ارزشیابی و نظارت، اصلاح استانداردها و مقررات آموزشی و اداری، پرورش روحیه نوآوری و توجه کافی به ابعاد اخلاقی میسر می‌شود. همه پیشرفت‌های مطلوب در مناطق عشایری از طریق دادن فرصت‌های آموزشی برابر امکان‌پذیر است که این کار از عهده تعلیم و تربیت صحیح بر می‌آید (Abbasi Sarvak, 2008: 49-47).

الگوی زیستی و مدل معیشتی جمعیت ایران از گذشته متشکل از سه شیوه شهرنشینی، روستانشینی و کوچ‌نشینی بوده است. بنا به ویژگی‌های خاص اقلیمی و محیط طبیعی (جغرافیایی) کشور، زندگی عشایری از سابقه بیشتری در قیاس با سایر شیوه‌ها برخوردار می‌باشد و تا حدود یک قرن پیش، بخش عمده‌ای از جمعیت کشور را کوچ‌نشینان تشکیل می‌دادند. به عقیده اکثر دانشمندان ایران پژوه، این زیست، تاریخی به درازای تاریخ زندگی انسان در این سرزمین دارد (بخشنده‌نصرت و میراج، ۱۳۹۰: ۱۷). ویژگی‌های خاصی همچون شیوه معیشت مبتنی بر کوچ، اقتصادی بر پایه دام و مرتع، مولد بودن جامعه، کم هزینه و توانمند بودن آن در کنار فرهنگ خاص، سبب شده تا جامعه عشایری کاملاً از دو جامعه دیگر متمایز باشد (منصوری، ۱۳۸۱: ۶۵؛ فیروزان، ۱۳۶۲: ۳۵۶).

عشایر ایرانی به سه دسته کوچ‌نشینی، نیمه کوچ‌نشینی و اسکان یافته تقسیم می‌شوند. اقوام کوچ‌نشین عشایری هستند که در چادرها زندگی می‌کنند و برای پیدا کردن منطقه مناسب برای گله‌داری و زندگی کوچ می‌کنند. عشایر نیمه کوچ‌نشین عمدتاً منطقه خاصی برای بیلاق و قشلاق دارند که در آن جا خانه‌های به خصوصی ساخته‌اند یا در چادر زندگی می‌کنند. عشایر اسکان یافته نیز اقوامی هستند که مکان مناسبی برای زندگی در تمام فصول سال پیدا کرده‌اند و در جای به خصوصی زندگی می‌کنند و همانند دیگر عشایر به شغل دامداری و کشاورزی می‌پردازند (شهبازی، ۱۳۹۵: ۱۵).

کلمه کوچ در فرهنگ قاطع «از منزل و مقامی به منزل و مقام دیگر روانه شدن» آمده است (آقامحمدی و شرفی، ۱۳۹۰: ۳). در فرهنگ‌های معتبر فارسی از مفهوم کوچ تعبیر گوناگونی مانند رحلت، روانه شدن، انتقال، جلائی وطن، مهاجرت و انتقال ایل و لشکری از جایی به جای دیگر است (دهخدا، ۱۳۷۲: معین، ۱۳۶۴). از کوچ و کوچ‌نشینی تعاریف متعددی توسط اندیشمندان مختلف ارائه شده است که به چند مورد از آنها اشاره می‌شود:

کوچ‌نشینی حرکت منظم سالیانه یا فصلی، برای ارتزاق قومی یا قبیله‌ای، که این حرکت به عوامل محیطی و اوضاع انسانی و اجتماعی بستگی دارد (مشیری، ۱۳۸۵: ۹).

منظور از زندگی کوچ‌نشینی آن نوع زندگی است که در آن انسان‌ها از راه پرورش حیوانات و معمولاً با برخورداری از فرآورده‌های کشاورزی زندگی می‌کنند و در پی چراگاه‌های طبیعی سالانه، از محلی به محل دیگر می‌کوچند (امان‌اللهی‌بهاروند، ۱۳۸۳: ۱۵۷). کوچ‌نشینی شیوه‌ای از زندگی با جابه‌جایی سالانه و موسمی است که گروهی از مردم همراه با چهار پایان خود، از محل چادرهای زمستانی تا چراگاه‌های تابستانی نقل مکان می‌کنند و در فصل سرما دوباره به اردوگاه زمستانی باز می‌گردند (افشار سیستانی، ۱۳۹۹: ۱۳-۱۲).

کوچ‌نشینانی آن نوع زندگی و معیشت انسانی است که در آن انسان از طریق پرورش دام و برخورداری از فرآورده‌های کشاورزی معیشت می‌کند (حسینی‌ابری، ۱۳۷۳: ۶۲).

هر دسته از عشایر ایرانی به مناسبت دارا بودن نیای مشترک تاریخی، وحدت جغرافیایی و رشد جمعیتی در زیرشاخه‌های نیای مشترک، زندگی خویشاوندی در کنار هم و حفظ وابستگی، دارای ساخت سنتی خویشاوندی هرمی شکل هستند. در واقع، افراد ایل به این نیای مشترک و عضویت خود در ایل آگاه هستند و با توجه به این امر است که با یکدیگر مراد و ارتباط دارند. یکی دیگر از ویژگی‌های سبک زندگی عشایر و ایلات ایرانی این است که کوچ‌نشینانی و کوچ‌روی آن‌ها بخشی از یک نظام اجتماعی سازمان‌یافته است. در واقع، به همین دلیل هر یک از طایفه‌ها نواحی چرای مشخص، مسیر مشخص برای رفت و آمد و مکان مشخص برای اسکان دارد. این نواحی بر اساس موقعیت‌های سیاسی طایفه و ایل تغییر می‌کند (شهبازی، ۱۳۶۹: ۱۱۰).

در زندگی کوچ‌نشینانی، عشیره وظایف زیادی دارند که باید با کمک یکدیگر آن‌ها را انجام دهند. عشیره به تمام خانواده‌هایی که با یکدیگر کوچ می‌کنند می‌گویند. ستون و پایه اصلی حیات زندگی عشایری به خانواده و همبستگی قومی بستگی دارد. به طوری که خانواده‌های عشایری بدون همسر نمی‌توانند معنا داشته باشند. در مواقعی نیز شاهد چند همسری در بین عشایر هستیم تا سرپرست خانواده بتواند از عهده تمام کارها و مسئولیت‌هایش بر آید. در زندگی عشایری کودکان نیز از همان دوران کودکی وظایفی را بر عهده دارند (افشارسیستانی، ۱۳۹۹: ۳۰).

در شیوه کوچ‌چندگی اصل بر بهره‌برداری اصولی از مرتع است و دامداران معمولاً به صورت گروه‌های خانوادگی خویشاوند تحت عنوان مال در عرصه تحت اختیار خود متحرک بوده و اصل کوچ در زمان و مکان، مهم‌ترین اصل مدیریت مرتع برای آن‌ها تلقی می‌گردد. بر اساس این اصل، از هر مرتعی در زمانی استفاده می‌شود که آمادگی کافی جهت بهره‌برداری داشته باشد و علوفه کافی برای دام موجود باشد. در این نظام بین نیاز انسان‌های کوچنده و علوفه مورد نیاز دام و کمیت و کیفیت مراتع تعادلی برقرار است که به بهره‌برداری پایدار و مستمر از این عرصه‌ها منجر می‌شود. عشایر کوچنده در چارچوب تقویم زمانی کوچ، هر ساله حداقل دو بار، در موعد کوچ بهاره از قشلاق به بیلاق و کوچ پاییزه نیز از بیلاق به قشلاق به همراه تمامی اعضای خانوار و دام اقدام به کوچ و استقرار در قلمروهای مرتعی خود می‌کنند (باژیان، ۱۳۸۶: ۵۲۹).

اولین سرشماری عشایری کوچنده در ایران، سال ۱۳۶۶ انجام گرفت. در این سال تعداد ۱/۱۵۲/۰۹۹ نفر جمعیت عشایر کوچنده در قالب ۱۸۰/۲۲۳ خانوار و تعداد ۹۶ ایل و ۵۴۷ طایفه مستقل که به شیوه زیست کوچ‌چندگی می‌کردند ثبت گردید. براساس نتایج دومین سرشماری عشایر کوچنده در سال ۱۳۷۷، تعداد جمعیت عشایری با رشدی معادل ۱/۹ درصد در سال، و با افزایش ۱۵۱/۹۹۰ نفر نسبت به جمعیت سال ۱۳۶۶، به ۱/۳۰۴/۰۸۹ نفر رسید (اکبری و میزبان، ۱۳۸۳: ۲۶). براساس آخرین سرشماری اجتماعی اقتصادی عشایر کوچنده در سال ۱۳۸۷، عشایر کوچنده کشور در قالب ۱۰۴ ایل و ۵۶۰ طایفه مستقل در سطح کشور توزیع گردیده‌اند. در این بین، ایل‌های بختیاری، قشقایی و شاهسون به ترتیب در ناحیه غرب و جنوب غرب، جنوب و شمال غرب، بزرگ‌ترین ایل‌های ایران به شمار می‌روند. همچنین کوچندگان در قلمرویی به وسعت ۹۶۳ هزار کیلومترمربع معادل ۵۹ درصد از مساحت کشور پراکنده شده‌اند (سازمان امور عشایر ایران، ۱۳۷۸: ۶ - ۱).

تعلیم و تربیت مردم کوچ‌نشین به عنوان یکی از اشکال سه گانه زیست، بنا بر ماهیت آن نسبت به یکجانشینان کمتر مورد توجه قرار گرفته است. معلمان عشایر در کنار معلمان شهری و روستایی قرار می‌گیرند؛ اما به سبب شرایط خاص زندگی با ایل نمی‌توان آماده‌سازی این گروه را با همه معلمان برابر دانست؛ زیرا تفاوت‌های ساختاری در زندگی کوچ‌نشینان و نبود امکانات در این جوامع مطرح است که آنان را با دیگر معلمان متمایز می‌کند. چندانکه بودن معلم عشایری (مدیر، معلم، سرایه‌دار و دختردار و غیره) باعث سنگینی کار و سردرگمی معلمان تازه ورود به این مناطق می‌شود. آنها غالباً در کلاس‌های چندپایه تدریس دارند؛ که اغلب کار بسیار دشواری است. گاهی اتفاق می‌افتد که فقط دو نفر مسئولیت اجرای آموزشی یک مدرسه عشایری را به عهده بگیرند؛ درحالی که انجام این امور نیاز به نفرات بیشتری دارد. نبود وسایل کمک آموزشی مناسب در کلاس‌های ناهمگن و چندپایه باعث پایین آمدن علاقه به تدریس می‌شود. مشکل اصلی این کلاس‌ها نبود وقت کافی است؛ چراکه عشایر به علت وابستگی اقتصادی به مرتع و علف، فعالیت‌های جانبی کوچ و اسکان را به آموزش فرزندان ترجیح می‌دهند. لذا زمان شروع نامشخص کوچ و مدت زیاد آن، امکان تدریس طبق جدول زمان‌بندی کتب را از بین می‌برد و معلمان فرصت‌های زیادی برای تدوین یادگیری بهتر فراگیرانشان را از دست می‌دهند (Golzadeh and Safarnejad, 2008: 310).

یکی از اقدامات مهم در حوزه آموزش عشایر ایران توسط محمد بهمن بیگی صورت گرفت او با جلب حمایت مسئولین مرکزی آموزش و پرورش، اقدام به تغییر در برنامه و زمان‌بندی متعارف مدارس (از نظر زمان شروع و پایان مدارس عشایری) به صورت کاملاً متفاوت با مدارس شهری کرد. در برنامه جدید به انعطاف و تناسب لازم بین نحوه زندگی و زمان کوچ مردم عشایری با زمان بازگشایی مدرسه و تشکیل کلاس

درس توجه شده بود. زمان برپایی کلاس درس و مدارس عشایر در دو مرحله در طول یک سال تحصیلی برگزار می‌شد، بدین صورت که دانش آموزان عشایری چهار ماه در قشلاق و چهار ماه در بیلاق (زمان‌هایی که عشایر ساکن هستند و کوچ ندارند) و در مجموع در هشت ماه از سال تحصیل می‌کردند. تعطیلات رسمی مدارس عشایر نیز مقارن با زمان‌های کوچ عشایر و به مدت چهار ماه به طول می‌انجامید (عبدلی، ۱۳۹۴: ۷). با وجود تمامی آن موفقیت‌ها که یکی از علل آن هماهنگ کردن زمان برگزاری مدارس عشایر با نحوه زندگی عشایر بوده است، در سال‌های اخیر، به دلیل اجرای سیاست متمرکز کردن آموزش و پرورش عشایر و هماهنگ کردن آن با نظام آموزش و پرورش کشور (آقازاده و خسروی، ۱۳۸۷: ۱۰) و عدم ملاحظه شرایط زندگی دانش‌آموزان عشایر، نظام آموزشی عشایری دچار مشکلاتی از قبیل نرخ گذار کمتر از ۳۰ درصد در بین مقاطع و آمار بالای انصراف از تحصیل در پایه‌های بالاتر شد (عبدلی، ۱۳۹۴: ۷).

انسان در طول تاریخ تاکنون سه نظام اجتماعی با اوضاع و شرایط اقتصادی، فرهنگی و سیاسی گوناگونی را تجربه نموده که به سبب توانایی محدود نظام قبلی در رفع نیازها و ارضاء خواسته‌های بشر، نظام اجتماعی جدید پا گرفته است. در حال حاضر زندگی عشایری و شیوه کوچ‌نشینی به عنوان اولین نظام اجتماعی جامعه بشری، نقش به‌سزایی در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور دارند (دهقانی، صیدایی و شفقی، ۱۳۹۱: ۷۹). کوچندگی از پدیده‌های عمده جغرافیایی، فرهنگی و مردم‌شناسی است که از رابطه انسان با محیط نشأت گرفته و ساده‌ترین نوع زندگی انسان در طبیعت به شمار می‌رود. این شیوه زندگی، جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی پیچیده‌ای را در بر دارد که بر الگوی سکونت آن‌ها، نظام استقرار فضایی سکونتگاه‌هایشان و نیز الگوهای رفتاری جاری در آن‌ها تأثیر گذار است. سادگی زندگی آن‌ها، حاوی جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی متنوعی است که نسل به نسل از پدران به فرزندان منتقل شده و در شکل سکونتگاهشان نیز به خوبی نمود دارد. در واقع این شیوه از معیشت، نمایشی از مراحل اولیه تکامل انسان است که به گفته ابن خلدون: «این نوع زندگی به منزله اصل و گهواره‌ای برای شهرها و تمدن‌ها است و می‌تواند مقدمه‌ای بر شهرنشینی باشد» (بخشنده‌نصرت، ۱۳۸۴). ویژگی عمده جغرافیایی ایران از بعد محیطی - اکولوژیک، یعنی قرارگیری در کمربند خشک کره زمین و کوهستانی بودن پهنه جغرافیایی از یک طرف و موقعیت نسبی این سرزمین در ارتباط با همجوار با اقوام دیگر در شمال، جنوب، غرب و شرق از طرف دیگر از جمله عوامل مؤثر در فعالیت‌های انسانی و شکل‌گیری معیشت‌های کوچ‌نشینی در طول تاریخ ایران بوده است. به طور کلی سابقه کوچ‌نشینی در ایران به بیش از هشت هزار سال پیش می‌رسد و آثار بدست آمده در جنوب غربی ایران مؤید این امر است ولی نباید فراموش کرد که قدمت کوچ‌نشینی در مناطق مختلف جهان متفاوت است (مشیری و مولائی‌هشجین، ۱۳۸۶: ۱۸-۱۳). زندگی کوچ‌نشینی در ایران، سابقه‌ای کهن دارد و کوچ‌نشینان همیشه نقش مهمی در تاریخ این مملکت داشته‌اند. اما با این حال تاکنون، آن گونه که باید و شاید شناخته نشده‌اند. اصولاً بررسی و شناخت کوچ‌نشینان از چند جهت درخور اهمیت است:

اول این که آن‌ها فرهنگ و سنن کهن را پاسداری کرده و آداب و رسوم باستانی را نگه داشته‌اند. چنان که راه و روش زندگی کوچ‌نشینان کنونی، با راه و روش زندگی نیاکان چند هزار سال پیش ما، تفاوت چندانی ندارد. از این رو شناخت زندگی کوچ‌نشینان به شناخت فرهنگ و زندگی نیاکان ما کمک می‌کند. از این گذشته زندگی کوچ‌نشینان مورد توجه باستان‌شناسان، مورخان و مردم‌شناسان است. زیرا مطالعه زندگی آن‌ها راه گشایی برای پی بردن به چگونگی روند تکامل اجتماعی - فرهنگی انسان است. دوم این که زندگی کوچ‌نشینی گونه‌ای سازش فرهنگی - اجتماعی با محیط‌زیست است. بنابراین بررسی چنین سازشی به شناخت کلی فرهنگ انسان‌ها کمک می‌کند.

سوم این که کوچ‌نشینان از نظر اقتصادی درخور اهمیت‌اند، زیرا آن‌ها سالانه مقدار قابل توجهی گوشت، لبنیات و سایر فرآورده‌های دامی را به شهرنشینان عرضه می‌کنند و از این راه قسمت مهمی از نیازهای آن‌ها را برآورده می‌سازند (امان‌اللهی‌بهاروند، ۱۳۸۴).

علی شکور و محمدرضا رضایی (بهار ۱۳۸۹) در مقاله‌ای تحت عنوان (بررسی و مقایسه الگوهای اقتصادی تولید در ایل قشقایی فیروزآباد و سنجس و گرایش آنان به تغییر شیوه معیشت) به این نتیجه رسیدند که بنیان‌های مالی گروه‌های کوچنده عشایر ضعیف است. شیوه تولید عشایری هماهنگی‌های خود را با مقتضیات زمان از دست خواهد داد و این شیوه باید متحول شود. بدین منظور در محیط‌های عشایری باید مطالعات کارشناسی دقیقی انجام شود و نمی‌توان برای تمام مناطق عشایری ایران یک شیوه از معیشت را اعمال نمود. لایلا خاکی‌پور و همکاران (زمستان ۱۳۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان (بررسی سهم مرتع در درآمد دامداری خانوار عشایری) (مطالعه موردی: حوزه آبخیز همیان) به این نتیجه رسیدند که سهم مرتع در درآمد خانوارهای بهره‌بردار عشایری حدود ۷۰ درصد درآمد خالص دامداری آن‌ها است. این یافته نشان‌دهنده میزان اتکاء اقتصادی و معیشتی بهره‌برداران عشایری به مراتع است. محمد عطاران و مصطفی عبدلی (تابستان ۱۳۹۱) در مقاله‌ای تحت عنوان (فرهنگ یادگیری مدرسه عشایر کوچ‌رو: روایت‌های یک معلم) دریافتند که عشایر کوچ‌رو به نظام آموزشی کارآمد نیازمندند، برنامه درسی عشایر کوچ‌رو باید با سبک زندگی آن‌ها تطابق داشته باشد، علاوه بر این‌ها ساعات مدرسه عشایر کوچ‌رو باید انعطاف‌پذیر بوده و زمان حضور بچه‌ها در

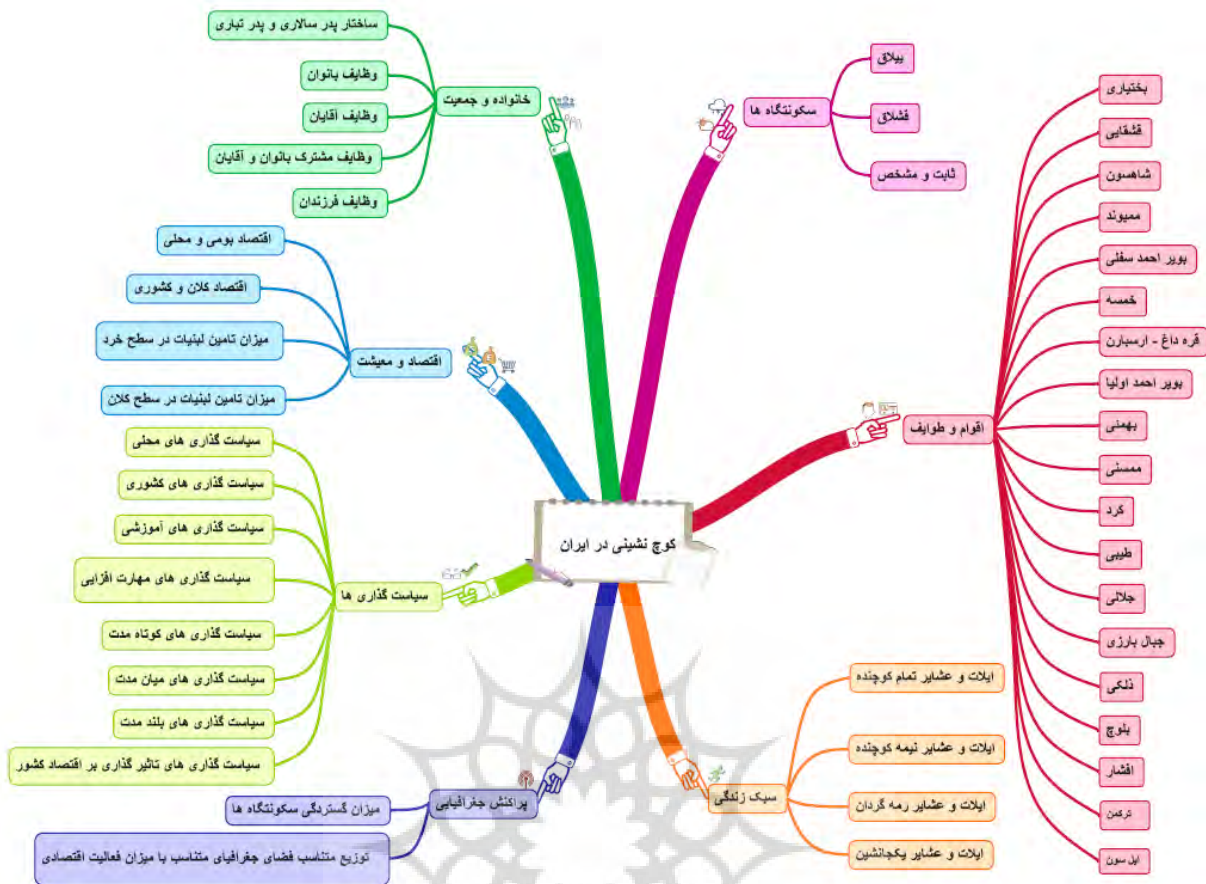
مدرسه باید کاهش یابد. مهرداد باقری و همکاران (پاییز ۱۳۹۱) در مقاله‌ای تحت عنوان (ارزیابی بلندمدت استراتژی‌های مدیریت دام در شرایط خشکسالی) (مطالعه موردی: عشایر استان فارس) به این نتیجه رسیدند که استراتژی خرید علوفه درآمد ناخالص بزرگ‌تری نسبت به استراتژی نقد کردن دام دارد. اما این استراتژی نیازمند هزینه اضافی بالایی برای خرید علوفه است و در شرایطی که خشکسالی گسترده اتفاق می‌افتد، هزینه‌های اضافی منجر به کاهش سود خالص در همه سناریوها و ریسک بیشتر نسبت به سناریوهای استراتژی نقد کردن گله می‌شود. بنابراین بر اساس نتایج در بلند مدت استراتژی نقد کردن جزئی دام توصیه می‌شود. مصطفی عبدلی (تابستان ۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان (چالش کوچ عشایر و مدارس عشایری) به این نتیجه رسید که چون طراحی نظام آموزشی برای عشایر صرفاً به منظور رفع نیازهای آن‌ها صورت می‌گیرد، واجب است که نظام آموزشی آنان بازتاب تغییر نیازها و وضع معیشت آنان باشد. حسین آذرنیوند و همکاران (زمستان ۱۳۹۵) در مقاله‌ای تحت عنوان (بررسی مؤلفه‌های اقتصادی- اجتماعی مؤثر بر مشارکت عشایر استان کرمان در تشکیل بازارهای محلی لبنیات) به این نتیجه رسیدند که متغیرهای تعداد دام، سن، وضعیت تأهل، تحصیلات، بعد خانوار، میزان درآمد سالانه دامداری و میزان مخارج سالانه خانوارهای ایلات منتخب نیز تأثیر معنی‌داری بر تمایل به دریافت عشایر دارند. نتایج این تحقیق مبین امکان تشکیل بازارهای محلی با مشارکت خود عشایر می‌باشد و سیاست‌گذاری مناسب قیمتی برای محصولات ارگانیک در این نوع بازارها نتایج مناسبی در جهت افزایش منافع عشایر و بهبود مطلوبیت جامعه به همراه خواهد داشت.

عسگر حسین‌زاده و همکاران (زمستان ۱۳۹۵) در مقاله‌ای تحت عنوان (ارزیابی اثرات مسائل اجتماعی و اقتصادی بر انسجام اجتماعی عشایر) (مطالعه موردی: عشایر ایل شاهسون دامنه‌های کوه سبلان) به این نتیجه رسیدند که بین میزان انسجام اجتماعی با میزان درآمد سالانه از دامداری و سابقه بهره‌برداران رابطه مستقیم معنی‌دار و با تعداد دام رابطه عکس معنی‌داری وجود دارد. که این نشان‌دهنده رابطه تنگاتنگ جامعه عشایری با انسجام اجتماعی آن‌ها است. پس نیازهای جامعه عشایری باید در قالب انسجام اجتماعی آن‌ها تأمین شود در آخر به نظام عشایری کشور باید به صورت یک میراث فرهنگی نگریست و نباید آن را با شاخصه‌های توسعه امروزی سنجید. علیرضا حیدرزادگان و محمدحسین صندوق‌دارن (بهار و تابستان ۱۳۹۶) در مقاله‌ای تحت عنوان (فرصت‌های آموزشی دانش‌آموزان عشایر استان سیستان و بلوچستان: برابر یا نابرابر) به این نتیجه رسیدند که نظام آموزشی مناطق عشایری استان در تمام شاخص‌های نرخ گذر تحصیلی، ضریب بهره‌برداری از فضاهای آموزشی، نرخ تراکم و نحوه توزیع معلمان در مقاطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه از وضعیت مناسبی برخوردار نمی‌باشد و فرصت‌های آموزشی آن نابرابر است. فرامرز بریمانی و همکاران (زمستان ۱۳۹۶) در مقاله‌ای تحت عنوان (تأثیر اسکان عشایر بر میزان مشارکت زنان در تأمین درآمد خانوار) (مطالعه موردی زنان عشایر سیستانی) به این نتیجه رسیدند که وضعیت عمومی عشایر اسکان یافته نامناسب است و نقش زنان عشایر در تولید فرآورده‌های لبنی و صنایع دستی پس از اسکان تضعیف و درآمد خانوار نیز کاهش یافته است. به عبارتی بین تضعیف نقش تولیدی زنان و درآمد خانوار، رابطه معنی‌داری وجود دارد. براساس یافته‌ها سیاست اسکان عشایر در سامانه‌های مورد مطالعه موفقیت‌آمیز نبوده است. محمد قهرمان‌زاده و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان (ارزیابی اثربخشی سیاست‌های حمایتی دولت بر بهره‌وری کل عوامل تولید در سامانه‌های روستایی و عشایری پرورش دام سبک در استان‌های منتخب کشور) به این نتیجه رسیدند که حساسیت بهره‌وری کل عوامل تولید (TFP) نسبت به شاخص حمایت از تولیدکننده (PSE)، در سامانه عشایری از سامانه روستایی بیشتر است. بنابراین پیشنهاد کردند تا از تلفیق دو سامانه، سامانه جدیدی تحت عنوان کوچ تابستانه شکل گیرد. در این شیوه تولید به دلیل وجود ضرایب تولید مثلی بالاتر، تولید گوشت و لبنیات بیشتر و نیز هزینه کمتر، بهره‌وری و بازدهی تولید بیشتر خواهد بود. مصطفی احمدوند و همکاران (بهار ۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان (واکاوی رفتار با خشکسالی و عوامل مؤثر بر آن در عشایر منطقه دریا، شهرستان گچساران) دریافتند که متغیر کیفیت زندگی بیشترین اثر مستقیم و نگرش به خشکسالی بیشترین اثر غیرمستقیم را بر رفتار با خشکسالی عشایر داشتند و در پیشنهادات خود افزایش آگاهی عشایر از طریق افزایش دسترسی آن‌ها به وسایل ارتباط جمعی و تدوین ترویج و آموزش مدیریت و چگونگی رفتار با خشکسالی را پیشنهاد دادند. اسدالله عباسی (پاییز ۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان (بررسی و تحلیل اهداف تعلیم و تربیت عشایر با تکیه بر دیدگاه‌های تربیتی بهمن بیگی: تحلیل محتوای کیفی) به این نتیجه رسید که بعد از سوادآموزی اهداف تقویت کیفیت علمی، کاهش فاصله طبقاتی ترویج زبان فارسی، تقویت و ترویج روحیه شهامت و شجاعت، تکریم جایگاه زن در جامعه عشایری، در این نظام آموزشی از اولویت بیشتری برخوردار بوده‌اند و اهداف سیاسی و اعتقادی از اولویت کمتری برخوردار بوده‌اند. صادق اصغری‌لمجانی و حمیدرضا نسیمی (زمستان ۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان (واکاوی تغییرات نسلی در سبک زندگی جامعه عشایری) (مطالعه موردی: طایفه بایاری، استان کهگیلویه و بویراحمد) به این نتیجه رسیدند که تفاوت معنادار بین دو نسل جامعه عشایری از منظر مؤلفه‌ها و عادت‌واره‌های سبک زندگی می‌باشد که تا حدی به شکاف نسلی منجر شده است بیشترین تغییر را در دو مؤلفه

سطح مشارکت و بهداشت بوده است و در ارتباط با به کارگیری لهجه، تفاوت معناداری در بین افراد دو نسل مشاهده نشده است. محمد کشاورز و همکاران (زمستان ۱۳۹۸) در مقاله‌ای تحت عنوان (فرایند اسکان شاهسون‌های دشت مغان در دوره رضاشاه) به این نتیجه رسیدند که طرح واگذاری اراضی دولتی آذربایجان و اخذ تعهد از اشخاص، ایجاد کانال‌های آبیاری، ایجاد پست‌های امنیه برای جلوگیری از تمرد عشایر، استقرار مأمورین اسکان در نواحی اسکان داده شده، سوزاندن ابزار کوچ‌نشینی، تأسیس مدارس فلاحتی، حذف مالیات علفچر و وضع قوانین دامداری از عوامل اصلی اسکان شاهسون‌ها در دشت مغان و نواحی مجاور بوده است. مریم شفیعی‌سروستانی و همکاران (پاییز ۱۳۹۹) در مقاله‌ای تحت عنوان (واکاوی شایستگی‌های معلمان عشایر کوچنده: مطالعه پدیدارشناسانه) به این نتیجه رسیدند که همسو با کوچ عشایر شایستگی‌های معلمان نیز مؤلفه‌ها و ساختاری خاص به خود می‌گیرند تا بسیاری از نیازهای معلمان عشایر برحسب بافت و نمای فرهنگی موجود برطرف شود. سلطانه‌علی کاظمی (۱۹۹۰) ضمن بررسی مقاله‌ای با عنوان توانایی‌ها و ناتوانی‌هایی آموزشی و پرورش عشایر از آغاز تا انقلاب اسلامی می‌گوید هرچند که نظام آموزش عشایری توانست از طریق آموزش و تربیت تغییراتی در ساختار سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ایل به وجود آورد اما این تغییرات هرگز در جهت مطلوب نبودند. کیرستوفر (۲۰۰۳) طی پژوهشی با موضوع مدیریت تخصیص منابع مالی در مدارس روستایی و کوچک دریافت که عمده چالش‌ها شامل: تقاضا برای افزایش استانداردهای آموزشی و مالی و تقسیم بودجه و همچنین مسائل و مشکلات محیطی در روستاها و وجود مدارس پراکنده با درآمد کم بودند. همچنین راهکارهای ارائه شده شامل: ایجاد باز تخصیص منابع موجود، توجه به الگوی اصلاحی تجمیع مدارس روستایی، کسب درآمدهای غیر سنتی (قدیمی) توسط مدارس روستایی و در نهایت ایجاد صندوق‌هایی با اعتبارات مالی و پولی جدید در روستاها و مدارس با درآمد کم بودند.

لازم به ذکر است تاکنون هیچ‌گونه پژوهشی در زمینه تحلیل محتوا کتاب درسی بر اساس مؤلفه‌های کوچ‌نشینی انجام نشده است و در این زمینه دچار فقدان پژوهشی هستیم لذا پژوهش حاضر اولین مقاله درخصوص تحلیل محتوا کتاب درسی براساس مؤلفه‌های کوچ‌نشینی می‌باشد. در نتیجه بر آن شدیم با به کارگیری روش تحلیل محتوا، کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی و متوسطه اول بخش جغرافیا و کتاب‌های جغرافیای متوسطه دوم را با توجه به مؤلفه‌های کوچ‌نشینی مورد سنجش قرار داده و به سؤالات زیر پاسخ دهیم:

- ✓ به کدام یک از ابعاد مؤلفه‌های خانواده و جمعیت، اقتصاد و معیشت، سیاست‌گذاری‌ها، پراکنش جغرافیایی، سکونتگاه‌ها، اقوام و طوایف و سبک زندگی در کتب مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی و متوسطه اول و کتب جغرافیای متوسطه دوم بیشتر توجه شده است؟
- ✓ به طور کلی به کدام یک از مؤلفه‌های کوچ‌نشینی در کتب مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی و متوسطه اول و کتب جغرافیای متوسطه دوم بیشترین و کمترین توجه شده است؟



شکل ۱. مدل مفهومی مؤلفه‌های کوچ‌نشینی در پژوهش حاضر

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های توصیفی است و در آن از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. تحلیل محتوا به صورت کیفی، کمی و ترکیبی انجام شده است. در روش‌های کمی، معمولاً مقدار زیادی داده‌ها به گونه مختصر تحلیل می‌شوند. در این روش می‌توان مجموعه‌ای از اسناد و یا متون را استخراج، شمارش و طبقه‌بندی کرد. در روش‌های کیفی، مقدار کمی داده‌های مرکب و مفصل تحلیل می‌شوند و پایه واحد اطلاعاتی، ظهور یا غیبت یک خصیصه است (فاضلی، ۱۳۷۶: ۹۹). این پژوهش در تحلیل محتوای متن، تصاویر و پرسش‌های کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره آموزش ابتدایی و متوسطه اول بخش جغرافیا و کتاب‌های جغرافیای متوسطه دوم در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ از هر دو روش کمی و کیفی بهره برده است. متغیر اصلی پژوهش کوچ‌نشینی و واحد تحلیل مضمون است. جامعه آماری این پژوهش، کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره آموزش ابتدایی و متوسطه اول بخش جغرافیا و کتاب‌های جغرافیای متوسطه دوم در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ است که توسط دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی، تألیف و چاپ شده است. در این کتاب‌ها متن، پرسش و تصویرها مورد تحلیل قرار گرفته است. با توجه به ماهیت پژوهش و به دلیل محدودیت‌های جامعه آماری، از نمونه‌گیری صرف نظر و جهت دستیابی به داده‌های دقیق، کل جامعه آماری به عنوان نمونه در نظر گرفته شده است. در پژوهش حاضر ۷ مؤلفه کوچ‌نشینی که شامل، مؤلفه خانواده و جمعیت ۵ شاخص، مؤلفه اقتصاد و معیشت ۴ شاخص، مؤلفه سیاست‌گذاری‌ها ۸ شاخص، مؤلفه پراکنش جغرافیایی ۲ شاخص، مؤلفه سکونتگاه‌ها ۳ شاخص، مؤلفه اقوام و طوایف ۱۸ شاخص و مؤلفه سبک زندگی ۴ شاخص بررسی شده است.

قلمرو جغرافیایی پژوهش

قلمرو جغرافیایی پژوهش حاضر، کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره آموزش ابتدایی و متوسطه اول بخش جغرافیا و کتاب‌های جغرافیای متوسطه دوم است.

یافته‌ها و بحث

در این قسمت از تحقیق با توجه به بررسی انجام شده کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی و متوسطه اول و کتاب‌های جغرافیای متوسطه دوم با استفاده از جداول به پاسخ سؤال‌های تحقیق پرداخته می‌شود.

سؤال اول پژوهش: به کدام یک از مؤلفه‌های خانواده و جمعیت در کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی و متوسطه اول و کتاب‌های جغرافیای متوسطه دوم بیشتر توجه شده است؟

جدول ۱. فراوانی ابعاد مؤلفه خانواده و جمعیت در کتاب‌های مذکور

مؤلفه	ابعاد	ابتدایی	متوسطه اول	متوسطه دوم	جمع	
					فراوانی	درصد
خانواده و جمعیت	ساختار پدرسالاری و پدرتباری	۰	۰	۰	۰	۰
	وظایف بانوان	۰	۰	۰	۰	۰
	وظایف آقایان	۰	۰	۰	۰	۰
	وظایف مشترک بانوان و آقایان	۰	۰	۰	۰	۰
	وظایف فرزندان	۰	۰	۰	۰	۰
	جمع کل	۰	۰	۰	۰	۰
	درصد	۰	۰	۰	۰	۰

پس از بررسی محتوای کتاب‌ها بر اساس (جدول ۱) هیچ موردی مبنی بر توجه به مؤلفه خانواده و جمعیت در کتب مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی و متوسطه اول و کتب جغرافیای متوسطه دوم یافت نگردید.

سؤال دوم پژوهش: به کدام یک از ابعاد مؤلفه اقتصاد و معیشت در کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی و متوسطه اول و کتاب‌های جغرافیای متوسطه دوم بیشتر توجه شده است؟

جدول ۲. فراوانی ابعاد مؤلفه اقتصاد و معیشت در کتاب‌های مذکور

مؤلفه	ابعاد	ابتدایی	متوسطه اول	متوسطه دوم	جمع	
					فراوانی	درصد
اقتصاد	اقتصاد بومی و محلی	۳	۱	۱	۵	۶۲/۵٪
	اقتصاد کلان و کشوری	۰	۰	۰	۰	۰
و معیشت	میزان تأمین لیبیات در سطح خرد	۲	۰	۰	۲	۲۵٪
	میزان تأمین لیبیات در سطح کلان	۰	۰	۱	۱	۱۲/۵٪
	جمع کل	۵	۱	۲	۸	۱۰۰
	درصد	۶۲/۵٪	۱۲/۵٪	۲۵٪	۱۰۰	

پس از بررسی محتوای کتاب‌ها بر اساس (جدول ۲) مؤلفه اقتصاد و معیشت در کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی (۵) (۶۲/۵٪) نسبت به سایر پایه‌ها درصد فراوانی بیشتری دارد همچنین از بین ابعاد این مؤلفه، به بعد اقتصاد بومی و محلی (۶۲/۵٪) در کتب مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی و متوسطه اول و کتب جغرافیای متوسطه دوم بیشتر توجه شده است.

سؤال سوم پژوهش: به کدام یک از ابعاد مؤلفه سیاست‌گذاری‌ها در کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی و متوسطه اول و کتاب‌های جغرافیای متوسطه دوم بیشتر توجه شده است؟

جدول ۳. فراوانی ابعاد مؤلفه سیاست‌گذاری‌ها در کتاب‌های مذکور

مؤلفه	ابعاد	ابتدایی	متوسطه اول	متوسطه دوم	فراوانی	درصد
سیاست‌گذاری‌های محلی		۰	۰	۱	۱	۲۵٪
سیاست‌گذاری‌های کشوری		۰	۱	۱	۲	۵۰٪
سیاست‌گذاری‌های آموزشی		۰	۰	۰	۰	۰
سیاست‌گذاری‌های مهارت‌افزایی		۰	۰	۰	۰	۰
سیاست‌گذاری‌های کوتاه‌مدت		۰	۰	۰	۰	۰
سیاست‌گذاری‌های میان‌مدت		۰	۰	۰	۰	۰
سیاست‌گذاری‌های بلندمدت		۰	۰	۰	۰	۰
سیاست‌گذاری‌های تأثیرگذاری بر اقتصاد کشور		۰	۰	۱	۱	۲۵٪
جمع کل		۰	۱	۳	۴	۱۰۰
درصد		۰	۲۵٪	۷۵٪	۱۰۰	

پس از بررسی محتوای کتاب‌ها بر اساس (جدول ۳) مؤلفه سیاست‌گذاری‌ها در کتاب‌های جغرافیای دوره متوسطه دوم (۳) (۷۵٪) نسبت به سایر پایه‌ها درصد فراوانی بیشتری دارد همچنین از بین ابعاد این مؤلفه، به بعد سیاست‌گذاری‌های کشوری (۵۰٪) در کتب مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی و متوسطه اول و کتب جغرافیای متوسطه دوم بیشتر توجه شده است.

سؤال چهارم پژوهش: به کدام یک از ابعاد مؤلفه پراکنش جغرافیایی در کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی و متوسطه اول و کتاب‌های جغرافیای متوسطه دوم بیشتر توجه شده است؟

جدول ۴. فراوانی ابعاد مؤلفه پراکنش جغرافیایی در کتاب‌های مذکور

مؤلفه	ابعاد	ابتدایی	متوسطه اول	متوسطه دوم	فراوانی	درصد
میزان گستردگی سکونتگاه‌ها		۱	۰	۰	۱	۱۰۰٪
توزیع متناسب فضای جغرافیایی		۰	۰	۰	۰	۰
متناسب با میزان فعالیت اقتصادی		۱	۰	۰	۱	۱۰۰
جمع کل		۱	۰	۰	۱	۱۰۰
درصد		۱۰۰٪	۰	۰	۱۰۰	

پس از بررسی محتوای کتاب‌ها بر اساس (جدول ۴) مؤلفه پراکنش جغرافیایی تنها در کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی (۱) (۱۰۰٪) یافت گردید همچنین از بین ابعاد این مؤلفه تنها به بعد میزان گستردگی سکونتگاه‌ها اشاره شده است.

سؤال پنجم پژوهش: به کدام یک از ابعاد مؤلفه سکونتگاه‌ها در کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی و متوسطه اول و کتاب‌های جغرافیای متوسطه دوم بیشتر توجه شده است؟

جدول ۵. فراوانی ابعاد مؤلفه سکونتگاه‌ها در کتاب‌های مذکور

مؤلفه	ابعاد	ابتدایی	متوسطه اول	متوسطه دوم	جمع	
					فراوانی	درصد
سکونتگاه‌ها	بیلاق	۰	۰	۰	۰	۰
	قشلاق	۰	۰	۰	۰	۰
	ثابت و مشخص	۰	۰	۰	۰	۰
	جمع کل	۰	۰	۰	۰	۰
	درصد	۰	۰	۰	۰	۰

پس از بررسی محتوای کتاب‌ها بر اساس (جدول ۵)، هیچ موردی مبنی بر توجه به مؤلفه سکونتگاه‌ها در کتب مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی و متوسطه اول و کتب جغرافیای متوسطه دوم یافت نگردید.

سؤال ششم پژوهش: به کدام یک از ابعاد مؤلفه اقوام و طوایف در کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی و متوسطه اول و کتاب‌های جغرافیای متوسطه دوم بیشتر توجه شده است؟

جدول ۶. فراوانی ابعاد مؤلفه اقوام و طوایف در کتاب‌های مذکور

مؤلفه	ابعاد	ابتدایی	متوسطه اول	متوسطه دوم	جمع	
					فراوانی	درصد
اقوام و طوایف	بختیاری - ممیوند	۲	۰	۱	۳	۱۱/۵ %
	قشقایی - ممسنی	۳	۰	۲	۵	۱۹/۳ %
	شاهسون - خمسه	۰	۰	۰	۰	۰
اقوام و طوایف	بویر احمد سفلی - طیبی	۲	۰	۲	۴	۱۵/۴ %
	قره داغ - ارسباران - ایل سون	۲	۰	۰	۲	۷/۷ %
	بهمنی - کرد	۲	۰	۲	۴	۱۵/۴ %
	جلالی - بلوچ	۱	۰	۱	۲	۷/۷ %
	جبال بارزی - افشار - ذلکی	۰	۰	۰	۰	۰
اقوام و طوایف	بویر احمد اولیا - ترکمن	۴	۱	۱	۶	۲۳ %
	جمع کل	۱۶	۱	۹	۲۶	۱۰۰
	درصد	۶۱/۵ %	۴ %	۳۴/۵ %	۱۰۰	

پس از بررسی محتوای کتاب‌ها بر اساس (جدول ۶) مؤلفه اقوام و طوایف در کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی (۱۶) (۶۱/۵ %) نسبت به سایر پایه‌ها درصد فراوانی بیشتری دارد همچنین از بین ابعاد این مؤلفه، به اقوام بویر احمد و ترکمن (۲۳ %) در کتب مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی و متوسطه اول و کتب جغرافیای متوسطه دوم بیشتر توجه شده است.

سؤال هفتم پژوهش: به کدام یک از ابعاد مؤلفه سبک زندگی در کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی و متوسطه اول و کتاب‌های جغرافیای متوسطه دوم بیشتر توجه شده است؟

جدول ۷. فراوانی ابعاد مؤلفه سبک زندگی در کتاب‌های مذکور

مؤلفه	ابعاد	ابتدایی	متوسطه اول	متوسطه دوم	جمع	
					فراوانی	درصد
	ایلات و عشایر تمام کوچنده	۲	۰	۱	۳	۲۷/۳ %
	ایلات و عشایر نیمه کوچنده	۲	۰	۰	۲	۱۸/۲ %
	ایلات و عشایر رمه گردان	۳	۱	۲	۶	۵۴/۵ %
	ایلات و عشایر یکجانشین	۰	۰	۰	۰	۰
سبک زندگی	جمع کل	۷	۱	۳	۱۱	۱۰۰
	درصد	۶۳/۷ %	۹ %	۲۷/۳ %	۱۰۰	

پس از بررسی محتوای کتاب‌ها بر اساس (جدول ۷) مؤلفه سبک زندگی در کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی (۷) (۶۳/۷٪) نسبت به سایر پایه‌ها درصد فراوانی بیشتری دارد همچنین از بین ابعاد این مؤلفه، به بعد ایلات و عشایر رمه گردان (۵۴/۵٪) در کتب مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی و متوسطه اول و کتب جغرافیای متوسطه دوم بیشتر توجه شده است.

سؤال هشتم پژوهش: به طور کلی به کدام یک از مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی و متوسطه اول و کتاب‌های جغرافیای متوسطه دوم بیشترین و کمترین توجه شده است؟

جدول ۸. فراوانی مؤلفه‌های کوچ‌نشینی در کتاب‌های مذکور

مؤلفه‌های کوچ-نشینی	ابتدایی فراوانی	ابتدایی درصد	متوسطه اول		متوسطه دوم	
			فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
خانواده و جمعیت	۰	۰	۰	۰	۰	۰
اقتصاد و معیشت	۵	۶۲/۵ %	۱	۱۲/۵ %	۲	۲۵ %
سیاست‌گذاری‌ها	۰	۰	۱	۲۵ %	۳	۷۵ %
پراکنش جغرافیایی	۱	۱۰۰ %	۰	۰	۰	۰
سکونتگاه‌ها	۰	۰	۰	۰	۰	۰
اقوام و طوایف	۱۶	۶۱/۵ %	۱	۴ %	۹	۳۴/۵ %
سبک زندگی	۷	۶۳/۷ %	۱	۹ %	۳	۲۷/۳ %
جمع کل	۲۹	۵۹/۲ %	۴	۸/۱۵ %	۱۷	۳۴/۶۹ %

در جدول ۸ در خانه‌های مربوط به درصد فراوانی؛ عدد بالایی درصد مؤلفه‌ها را در سطرهای مربوطه و عدد پایینی درصد مؤلفه‌ها را در ستون‌های مربوطه نشان می‌دهد. بر اساس داده‌های این جدول در بین کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی و متوسطه اول و کتاب‌های جغرافیای متوسطه دوم، مؤلفه اقوام و طوایف بیشترین (۵۳/۰۶٪) و مؤلفه‌های خانواده و جمعیت و سکونتگاه‌ها کمترین فراوانی (۰) را دارد. همچنین مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی بیشترین میزان توجه به مؤلفه‌های کوچ‌نشینی (۵۹/۲٪) را داشته است.

نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های پژوهش، کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی و متوسطه اول و کتاب‌های جغرافیای متوسطه دوم، از بین مؤلفه‌های کوچ‌نشینی، (% ۱۶/۳۲) به مؤلفه اقتصاد و معیشت، (% ۸/۱۶) به مؤلفه سیاست‌گذاری‌ها، (% ۲/۰۴) به مؤلفه پراکنش جغرافیایی، (% ۵۳/۰۶) به مؤلفه اقوام و طوایف، (% ۲۲/۴۴) به مؤلفه سبک زندگی توجه کرده‌اند همچنین به مؤلفه‌های خانواده و جمعیت و سکونتگاه‌ها توجه نشده است که نشان از ضعف کتاب درسی در این مؤلفه‌ها دارد. مؤلفه اقوام و طوایف با بالاترین میزان فراوانی (% ۵۳/۰۶) در رتبه اول و مؤلفه‌های خانواده و جمعیت و سکونتگاه‌ها با پایین‌ترین میزان فراوانی (۰) در آخرین رتبه اهمیت قرار گرفته‌اند. از بین کتاب‌های بررسی شده، کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی با بالاترین میزان فراوانی (% ۵۹/۲) بیشترین توجه و کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره متوسطه اول با پایین‌ترین میزان فراوانی (% ۸/۱۵) کمترین توجه را به مؤلفه‌های کوچ‌نشینی داشته‌اند. با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان این چنین برداشت نمود که متأسفانه سیاست‌گذاری‌ها در چاپ و نشر محتوای کتب درسی علی‌رغم غنای فرهنگی و ابعاد چند بعدی عشایر عزیز نسبت به آن‌ها دچار غفلت و اهمال شده است و آن چنان که در خور و شایسته است نتوانسته است که ظرفیت‌های وجودی عشایر و اهمیت سبک زندگی و مؤلفه‌های فرهنگی آن‌ها را به نسل نوجوان و جوان این مرز بوم بیاموزد که این خود دلیلی بر عدم شناخت کافی این قشر پرشور و عدم بهره‌برداری بهینه از ظرفیت‌های این عزیزان در جهت رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... می‌باشد. عدم شناخت کافی نسل جوان از ظرفیت‌های عشایر و کوچ‌نشینان و همچنین عدم اتخاذ سیاست‌های افزایش بهره‌وری آموزشی در بین آن‌ها سبب فاصله اجتماعی در سطوح کلان بین اقشار جامعه شده است و چنان چه از نتایج تحقیق شاهد بودیم این است که علی‌رغم توجه بسیار به فاکتورها و شاخص‌های زندگی شهری و روستایی به فاکتورها و شاخص‌های زندگی عشایری و کوچ‌نشینی بسیار کم و در سطح خرد به شکل سطحی بدون تحکیم آموزه‌ها و رسیدن به سطوح کلان در کتاب‌های تألیفی آورده شده است. با توجه به نتایج تحقیق پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد:

- کتاب‌هایی متناسب با سطح و زندگی کوچ‌نشینان در جهت افزایش سطح دانش عمومی آن‌ها تألیف شود؛
- نسبت به تعلیم معلمان ویژه در جهت تدریس متناسب با زندگی عشایر اقدام شود؛
- برای افزایش غنای کتاب آموزشی از نوشته‌های قوم‌نگاران و متخصصان حوزه عشایر استفاده شود؛
- نظام آموزش و پرورش با توجه به اهمیت زندگی کوچ‌نشینی سیاست‌گذاری‌های مشخصی جهت تألیف کتاب‌های درسی در زمینه کوچ و کوچ‌نشینان اهتمام ورزد؛
- برگزاری اردوهای دانش‌آموزی کشوری به مناطق کوچ‌نشینی جهت آشنایی و اهمیت زندگی کوچ‌نشینان در اقتصاد کشور؛
- دولت از طریق سیاست‌گذاری‌های مناسب در عشایر درآمدهای حاصله از توریسم را افزایش داده و جهت معرفی آن‌ها نسبت به تهیه و تدوین فیلم‌ها، مستندها، برنامه‌های رایانه‌ای و موبایلی، پادکست‌ها، برنامه‌های واقعیت افزوده و ... استفاده کند؛
- نظام برنامه درسی در ایران از تمرکز شدید خود بکاهد و مواد آموزشی که متناسب با فرهنگ و سبک زندگی عشایر همخوان باشد در برنامه درسی گنجانده شود و تفاوت مناطق شهری، روستایی و عشایری را مد نظر قرار دهد؛ و
- در برنامه درسی دانشجو معلمان سرفصل‌های درسی عملی و نظری در زمینه آموزش راهبردهای تدریس خودتنظیمی، آشنایی با جغرافیای و تاریخ عشایری کشور و کارگاه‌های آموزشی که در آن‌ها مهارت‌های عشایری و جغرافیایی به دانشجو معلمان عشایری آموزش داده می‌شوند؛ طراحی و در نظر گرفته شود.

منابع

- آقازاده، محرم؛ خسروی، علی اکبر. (۱۳۸۷). تحلیلی بر آموزش کوچندگان در کشورهای جهان. همایش بین‌المللی آموزش و پرورش عشایر کوچنده (صص. ۱-۲۰)، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.
- آقا محمدی، مهدی؛ شرفی، حسین. (۱۳۹۰). تحلیلی بر پراکندگی جغرافیایی ایلات و عشایر استان همدان. همدان: قومس.
- افشارسیستانی، ایرج. (۱۳۹۹). مقدمه‌ای بر شناخت ایل‌ها، چادر نشینان و طوایف عشایری ایران. تهران: آگاه.
- امان الهی بهاروند، سکندر. (۱۳۸۳). زوال کوچ‌نشینی در ایران: یکجانشینی ایلات و عشایر. مطالعات ملی، ۱۵ (۱۷)، ۱۸۳-۱۸۵.
- امان الهی بهاروند، سکندر. (۱۳۸۴). کوچ‌نشینی در ایران: پژوهش در مورد ایلات و عشایر ایران. تهران: انتشارات نیل.
- بازیان، غلامرضا. (۱۳۸۶). مروری بر مدیریت مراتع جامعه عشایری در گذشته و حال: تغییرات، چالش‌ها و راهکارها. تحقیقات مرتع و بیابان ایران، ۱۴ (۴)، ۵۲۴-۵۳۸.
- بخشنده نصر، عباس. (۱۳۸۴). مبانی کوچ و کوچندگی در ایران. (چاپ دوم). تهران: انتشارات دانشگاه تربیت معلم.

- بخشنده نصرت، عباس؛ میراج، فرحناز. (۱۳۹۰). جامعه و منطقه‌بندی جمعیت عشایر کوچنده ایران. تهران: نشر نصرت. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۲). فرهنگ لغت دهخدا. تهران: روزنه.
- سرکار آرنی، محمدرضا. (۱۳۸۸). فرهنگ آموزشی و یادگیری پژوهشی مردم نگارانه با رویکردی تربیتی. (چاپ اول). تهران: انتشارات مدرسه. شهبازی، عبدالله. (۱۳۶۹). مقدمه‌ای بر شناخت ایلات و عشایر ایران. (چاپ اول). تهران: نشر نی.
- شهبازی، عبدالله. (۱۳۹۵). مقدمه‌ای بر شناخت ایلات و عشایر. تهران: نشرنی.
- عباسی سروک، لطف الله. (۱۳۸۸). تاریخ و فعالیت‌های آموزش و پرورش عشایر ایران. تهران: مهرآوه عصر.
- عبدلی، مصطفی. (۱۳۹۴). چالش کوچ عشایر و مدارس عشایری. نظریه و عمل در برنامه درسی، ۳(۵)، ۲۲-۵.
- فاضلی، نعمت الله. (۱۳۷۶). آموزش، تحقیق و ترویج (تحلیل محتوای نامه علوم اجتماعی). تهران: نمایه پژوهش.
- فیروزان، توحید. (۱۳۶۲). ترکیب و سازمان ایل‌ها و عشایر ایران. در: مجموعه کتاب آگاه (ایلات و عشایر). تهران: آگاه.
- مشیری، رحیم. (۱۳۸۵). جغرافیای کوچ‌نشینان. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت). معین، محمد. (۱۳۶۴). فرهنگ فارسی معین. تهران: انتشارات سپهر.
- منصوری، مسعود. (۱۳۸۱). بررسی مقایسه‌ای زمینه‌های اقتصادی تولید در گروه‌های عشایری و گرایش آنان به تغییر و تحول در شیوه تولید. فصلنامه علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، سال نوزدهم، شماره اول، پیاپی ۴۷، (زمستان): ۶۰-۷۲
- مولائی‌هشجین، نصرالله. (۱۳۸۶). بررسی قلمرو ایلی در بین نیمه کوچ نشینان گیلان (مطالعه موردی: اسالم- تالش). مجله سرزمین. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات. سال دوم. بهار. شماره ۱ (پیاپی ۵) (صص ۱۰۶-۸۸).
- نیک خلق، علی‌اکبر. (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی جمعیت عشایر کوچنده ایران. مطالعات ملی، ۵(۳)، (۱۹)، ۳۵-۹.
- وزارت جهاد کشاورزی. (۱۳۷۸). سیمای عشایر کشور. سازمان امور عشایر ایران. صص ۶-۱.
- Kazemi, Soltanali. (1990). Abilities and skills of Nomadic education from the beginning to the Islamic revolution. Master's thesis. Shiraz University. [In Persian].
- Christopher, R (2003), Resource Allocation in Rural and Small Schools, ERIC Clearinghouse on Rural Education and Small Schools. ERIC DIGEST. [Persian].
- Abbasi Sarvak, L. (2008). Quantitative and qualitative studies of Iranian nomadic education. Nomadic Education Office of the country with the cooperation of Chaharmahal and Bakhtiari Education Department, Shahrekord. [Persian].
- Golzadeh, K. and Safarnejad, A. (2008). Investigating the effect of migration time, Accommodation and type of activity on the development of nomadic education in Ardabil province (pp. 301-320). The country's nomadic education office in cooperation with the Chaharmahal and Bakhtiari Education Department. Shahr e Kord. [Persian].
- Turkmandi, A. (2017). Identifying and prioritizing the professional qualifications of primary school teachers in Bijar. Master Thesis. Shahid Chamran University. Farhangian University of Tehran, [Persian].
- Yu L., Hou X., Gao M., Shi P. Assessment of coastal zone sustainable development: a case study of Yantai, China. *Ecol. Indicat.* 2010 Nov 1;10(6):1218-1225.